

# اگر همچنان جلسات شورای گفتگو برگزار نشود...



ناصر گلی

مساور اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

تمدن کهن ایران از همان آغاز تا حداقل سالیان دراز یکی از اصول، خویش را بر پایه مشورت، گفتگو و مذاکره حتی با مخالفان

خویش بنا نهاده است. حاکمیت در بدترین زمانها هم لاقبل با رعایت ظواهر امر جلسات مشورتی جمعی تشکیل داده و همواره

همگان را از تصمیمات هیجانی، انفرادی و بدون پشتوانه مشورتی بر حذر داشته است.

طبق اسناد تاریخی پس از ایرانیان باستان نیز هر تمدن و قوم و ملتی که ادعای حکومت

دمکراسی بر مردم را داشته با الگوگیری از این فرهنگ غنی، حل مشکلات و ترسیم اهدافشان

جهت تعالی جامعه خویش را به دستاوردهای جلسات شورایی و گفتمانی سپرده تا بتواند از

بجرانها و بیخ های تند و خطرناک مسیر حرکت ملتش عبور کند.

حال سوال اینجاست که آیا ما وارثان نیاکانی که همه به آن می بالیم اصلا به گفتگو اعتقاد

داریم؟

با استناد به اطلاعات تاریخی مکتوب و مستند بجا مانده از تمدن ایران و اعتقاد ایرانیان به

مشورت و گفتگو بخصوص بعد از ورود دین مبین اسلام به این منطقه و پیروی مسلمانان از

دستورات حضرت خانم چه دلیلی دارد که امروز دشمنان این ملت ما را حامی «برخورد

تمدن» و تروریست و خواستار بمب اتم می خوانند و هر چه سند و شاهد ارائه میدهیم که

اینگونه نیست، باورشان نمیشود که نمیشود.

یکی از اصول قوی و مستند مذاکره و جلب نظر مخالفان در تئوری های اقتصادی و اجتماعی

و سیاسی نگرستن به هر مسئله از نگاه طرف مقابل است.

اگر از نگاه آنها به ایران بنگریم همین استدلال ما را پس که با کشوری که حتی با تصویب

سال گذشته مجلس منتهی خویش و ابلاغ آن به بخش خصوصی و دولتی همان کشور که

پیرو یک خط و قانون و نظامند باز هم نمی توانند به گفتگو و مذاکره درون سیستمی بشینند

چگونه می شود وارد مذاکره شد؟



این مایه بسی تاسف است که اجازه سوء استفاده در این شرایط بحرانی به بدخواهان داده شود که با تیرها و دیالوگهایی همچون "قهر دولت و بخش خصوصی" آیا حیدری (مجری

توزیع) می تواند با هنر خویش دولتی ها را با خصوصی ها آشتی دهد " از دی ماه گذشته و به دلیل قهر اعضای دولتی شورای گفتگو، جلسات این شورا عملاً به حالت تعطیل

درآمده است "و.. بساط استدلال تراشی و بدگویی از این مرز و بوم را داشته باشند؟ البته یک چالش بسیار مهم برای بخش خصوصی آن است که نتوانسته به دولت اثبات نماید که

در تصویب این قانون نقش اصلی اتاق بازرگانی به عنوان مبکر این شورا تنها بستر ساز و فراهم کننده فضایی سالم برای کسب و کار است و وظیفه اش بیان مشکلات و ارائه ایده و

کسب نتایج و پیگیری آنها همراه با دیگر بخش های خصوصی و دولتی است و نه صاحب این گفتگو، و فقط به خاطر ارائه این ابتکار و دستورالعملهای اجرایی آن طبق اساسنامه همه

اتاقهای سراسر جهان) سمت دبیری شورا که وظیفه ای خطیر است بر عهده اتاق گذشته شده است. لذا می بایست شفاف تر از پیش هدف از برگزاری این حرکت بزرگ مشخص گردد و

همگان بدانند که شورای گفتگو فقط برای حل مشکلات بخش خصوصی نیست، دولت نیز می تواند با استفاده از سازوکار این شورا، مشکلات زیادی از سر راه خود بردارد. مثلاً دولت از

بخش خصوصی بخواهد برای تنظیم بازار به کمک او بیاید و در موافقی، به عنوان بازوی دولت تقاضا یا عرضه را در برخی بازارها کم یا زیاد کنند

لذا بایستی جلسات شورا چنان پیش رود که جایگاه دولت و بخش خصوصی همچنان که در قانون هست نقش پدر و پسر خود را به درستی ایفا کنند. بر این اساس می بایست انتظار

داشت دولت بیش از بخش خصوصی اصرار به برگزاری جامع و به موقع شورا داشته و نباید دولت، بخش خصوصی را عده ای ببیند که با چوب و چماق جهت تضعیف و سرزنش هر یک

از اعضای بخش دولتی در جلسه حضور پیدا می کنند، بلکه بخش خصوصی برای تعامل دوسویه آمده و گاهی هم حتی پسر عکاش پدر می شود.

در نهایت شایان ذکر است جذب سرمایه گذار در فضای سینوسی قهر و آشنی حاکم، رشد اقتصادی، افزایش کیفیت و کمیت تولید ملی و جلب اعتماد فعالین اقتصادی به عنوان سرمایه

های ایرانی در هیاهویی که گواه از عدم اعتماد بخش اجرایی کشور به بخش خصوصی، ناتوانی این دو بخش در تعامل مسالمت آمیز با یکدیگر و نبود ضمانت اجرایی قوانین می

دهد، بسیار دشوار بوده و جذابیت های غنی و والای کشور را برای جامعه مخاطش کوچک می نماید.

اما این سوال روشن همچنان مطرح است که اجرای بند قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و برگزاری مستمر و منظم و دور از تنش جلسات شورای گفتگو در چند ماهه باقی مانده

از دولت دهم به نفع کیست؟